

The Effect of Moral Characteristics of Agents on the Progress of Society from the Perspective of Quran and Hadith

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Latif Abbasi¹
Ali Asghar Tajari ^{2*}
Ahmad Moradkhani³

How to cite this article

Latif Abbasi, Ali Asghar Tajari, Ahmad Moradkhani, The Effect of Moral Characteristics of Agents on the Progress of Society from the Perspective of Quran and Hadith, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2023:7(3): 13-22.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author).

1. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ABSTRACT

There are many indicators to achieve the progress of the Islamic society. The most important indicator for the progress of the Islamic society is the rulers and agents of that society. If in the society of rulers and workers, morals such as humility, piety, modesty, remembrance of God, generosity, avoidance of self-righteousness, avoidance of arrogance, avoidance of arrogance, avoidance of cruelty, avoidance of fear, acceptance of criticism, etc. According to the opinions of the Qur'an and the hadiths of the infallible, they will make significant progress in fulfilling their responsibilities. Then the people under supervision and the people of that society will choose the right morals by following their example and be guided to the right path, and this right morality has a great impact on the society is progressing. In this research, the authors have tried to explain the concept of progress and the effect of the moral characteristics of rulers and officials on the progress of the society by analyzing the verses of the Qur'an, Nahj al-Balaghah and the traditions of the innocents. We find that if the agents of the society are decorated with the moral characteristics desired by the Qur'an and the traditions of the innocents, they have a great impact on the progress of the society.

Keywords: Progress, Development, Rulers, Agents, Moral Characteristics

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: a.tajari@hotmail.com

Article History

Received: 2023/03/25

Accepted: 2023/05/27

تأثیر ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران در پیشرفت

جامعه از منظر قرآن و حدیث

لطیف عباسی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

علی اصغر تجری^{۲*}

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

احمد مرادخانی^۳

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

برای رسیدن به پیشرفت جامعه اسلامی شاخص‌های زیادی وجود دارد که مهمترین شاخص برای پیشرفت جامعه اسلامی، حاکمان و کارگزاران آن جامعه می‌باشد. اگر در جامعه حاکمان و کارگزاران، اخلاقی همچون تواضع، پارسایی، حلم و شرح صدر، ذکر و یاد خدا، سخاوت، دوری از خودپسندی، دوری از تکبر، دوری از آز، دوری از ظلم، دوری از ترس، انتقادپذیری و ... مبتنی بر نظرات قرآن و روایات معصومین: داشته باشند، در انجام مسؤلیت پیشرفت قابل توجهی خواهند داشت و سپس افراد تحت نظارت و مردم آن جامعه با الگو گرفتن از آنها اخلاق درست را انتخاب و به راه درست هدایت خواهند شد و این اخلاق درست تأثیر زیادی در پیشرفت جامعه دارد. نگارندگان در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با بررسی آیات قرآن، نهج البلاغه و روایات معصومین، کوشیده‌اند تا به تبیین مفهوم پیشرفت و تأثیر ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران در پیشرفت جامعه بپردازند، چرا که با بررسی این ویژگی‌ها در می‌یابیم چنانچه کارگزاران جامعه مزین به ویژگی‌های اخلاقی مورد نظر قرآن و روایات معصومین: باشند تأثیر زیادی در پیشرفت جامعه دارند.

واژگان کلیدی: پیشرفت، توسعه، حکام، کارگزاران، ویژگی‌های اخلاقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

*نویسنده مسئول: a.tajari@hotmail.com

مقدمه

با توجه به اهمیت پیشرفت در جوامع اسلامی، بعد از بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های یک جامعه ی پیشرفته از نظر قرآن و احادیث* مسئله توسعه و پیشرفت شاخصی مهم در حاکمان و کارگزاران جامعه می‌باشد، زیرا پیشرفت یک جامعه با حاکمان و کارگزاران رابطه ای متقابل دارد.

منظور از پیشرفت با توجه به معنی آن، حرکت روبه جلو و آگاهانه ی یک جامعه از وضعیتی به سوی وضعیت بهتر و مطلوب و منظور از آن پیشرفت در تمامی ابعاد سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و یا به طور خلاصه در تمامی عرصه های مادی و معنوی انسانی می‌باشد. نزدیک ترین و جامع ترین واژه ی قرآنی به پیشرفت* کلمه ی «حیات طیبه» می‌باشد. قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دانند، خواهیم داد». از ناحیه ی مفسران در تفسیر «حیات طیبه» احتمالات متعددی بیان شده است، این ترکیب به هر معنایی که باشد، مربوط به حیات دنیوی است؛ زیرا پس از آن، از جزای الهی به نحو احسن خبر داده است که بیانگر آن است حیات طیبه مربوط به دنیا و جزای احسن مربوط به آخرت است.

با توجه به بررسی ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران از منظر آیات قرآن و روایات معصومین: و تأثیر آن در پیشرفت جامعه، لازم است واژه ی اخلاق تبیین شود. در زبان عربی اخلاق جمع خلق و خُلُق می‌باشد، راغب می‌گوید خُلُق با خُلُق در اصل یکی هستند همچون شَرِب و شُرْب و صَرَم و صُرْم و لکن خلق اختصاص یافته است* به کیفیات و شکل‌ها و صورت‌هایی که به واسطه چشم دیده می‌شود و درک می‌گردد و خُلُق ویژه نیروها و سرشت‌هایی است که با بصیرت فهمیده می‌شود (غیرمحسوس اند).

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴) یعنی «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» بنابراین اگر گفته شود فردی دارای خُلُق خوب و خُلُق خوب می‌باشد در توصیف خُلُق و خُلُق خوب یک شخص. یعنی هم از نظر ظاهر، اندام و اعضا زیباست و هم دارای صفات باطنی و اخلاقی خوب می‌باشد.

مجموع این تحقیقات نشان می‌دهد که ریشه ی واژه ی «اخلاق» در زبان فارسی به همان معنایی است که علمای مسلمان علم اخلاق در بیانات خود از آن یاد کرده اند، یعنی «خلق» «سرشت» «خصلت» و... که به معنای «صفات درونی و غیر محسوس است» و به شخصیت درونی انسان مربوط می‌شود و نه صرفاً به «رفتار ظاهری» یا «تعاملات اجتماعی» او. ۱

فلسفه تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (در پژوهش‌های اخلاقی سال ششم شماره ۳ بهار ۱۳۹۵).

^۱ رک مقاله تحقیق انتقادی «تعریف اخلاق» از دیدگاه فلاسفه غربی معاصر، عسگر دیرباز استادیار دانشیار دانشگاه قم، محمد اصلانی دانشجوی دکتری

این ویژگی‌ها در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی با استفاده از آیات و روایات پرداخته شده است.

مفهوم شناسی پیشرفت در منابع اسلامی و غربی پیشرفت در لغت مصدرمرخم مرکب از پیش رفتن است، پیش رفتن به معنای جلو رفتن مقابل پس رفتن، ترقی کردن، سبقت بردن، غلبه داشتن، برتری داشتن و چیره بودن است.

در مقابل واژه پیشرفت از واژه‌هایی همچون انحطاط (۲)، هلاکت، سقوط (۳) یاد شده است.

از نظر دانشمندان غربی از جمله «آگوست کنت» معتقد است که نگرش پیشرفت در جامعه غربی رواج یافت و انسان با کمک عقل و علم به ویژه علمی که مبتنی بر مشاهده، اندازه‌گیری، شمارش و تکرار نتایج باشد می‌تواند به اداره امور اجتماعی توسعه و پیشرفت مادی بپردازد و چنین علمی توانایی حل مسائل و معضلات فکری، اجتماعی و سیاسی را دارد، از دیگر دانشمندان غربی که در مورد پیشرفت صاحب نظر است می‌توان از «جانسون» نام برد که پیشرفت را فرآیندی تجمعی تعریف می‌کند و معتقد است این فرآیند دارای چهار ویژگی خطی بودن، تمرکز، ضروری بودن و برگشت ناپذیر بودن می‌باشد (۴).

به نظر کانت انسان غربی با اتکالی بر «خرد ناب» خرد به عنوان یگانه ابزار روشنگری ناگزیر بود تا از قاعده رشد روز افزون عقل و علم پیروی نماید (۵).

از نظر دانشمندان و صاحب نظران اسلامی در حوزه پیشرفت نظراتی ارائه شده است از جمله اینکه «زیبایی» در خصوص پیشرفت گفته است: پیشرفت حرکت آگاهانه و با اراده فردی و اجتماعی از وضعیت نادرست یا نامطلوب به سمت حالت و وضعیتی بهتر که رسیدن به آن وضعیت از اهداف و آمال مردم است (۶). به نظر امیدوی «پیشرفت تحول اساسی و بنیادی در کمیت و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی است. در رویکرد اسلامی پیشرفت مادی هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان است، در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (۷) در نگرش دینی پیشرفت زمانی دست یافتنی است که قاعده نفی سلطه بیگانگان مورد توجه جدی قرار گیرد این قاعده از مهمترین و اساسی ترین اصول شناخته شده قرآنی است که از آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نسا / ۱۴۱) خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است، اخذ شده است.

نزدیک ترین و جامع ترین واژه قرآنی به پیشرفت کلمه حیات طیبه می باشد قرآن می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل / ۹۷) «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». در تفسیر «حیات طیبه» احتمالات متعددی بیان شده است، این ترکیب به هر معنایی که باشد «حیات طیبه» مربوط به دنیا و جزای احسن مربوط به آخرت است پیامبر ۹ و ائمه معصومین: بیانات گهرباری با موضوع پیشرفت جامعه داشته اند از

بنابراین مجموعه صفات روحی و باطنی انسان اخلاق گفته می‌شود و بنابر نظر دانشمندان به بعضی از اعمال انسان که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود اخلاق گویند. هدف ادیان آسمانی تکامل اخلاقی در فرد و جامعه می‌باشد که این تکامل اخلاقی ریشه اصلاحات اجتماعی است. دین اسلام برای تکامل اخلاقی انسان و رساندن آنها به سعادت در همه زمینه‌های مادی و معنوی برنامه‌های کامل و جامعی دارد و انسانها را به آراستگی اخلاقی دعوت نموده است، چنانچه کارگزاران جامعه اسلامی مزین به این برنامه‌های اخلاقی اسلام باشند می‌توانند در پیشرفت جامعه تاثیر داشته باشند.

تعداد ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران زیاد است ولی در این تحقیق ویژگی‌های اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته که بیشترین تاثیر را در پیشرفت جامعه اسلامی دارد از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان از تواضع، پارسایی، حلم و شرح صدر، ذکر و یاد خدا، سخاوت، دوری از خودپسندی، دوری از ظلم، دوری از ترس و ... می‌باشد که در این مقاله به علت محدودیت محتوا فقط تعدادی از ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران آمده است.

با توجه به تعریفی که دین اسلام از پیشرفت دارد، جامعه‌ای که اعضای آن به آموزه‌ها، تعالیم و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام پایبند باشند و آن را در اخلاق خود نشان دهند می‌توانند از پیشرفت لازم برخوردار شوند. بنابراین می‌توان گفت هیچ کدام از شاخصه‌های جامعه‌ی اسلامی به منصفه‌ی ظهور و پیشرفت قابل توجه نخواهند رسید مگر اینکه حاکمان و کارگزاران جامعه‌ی اسلامی بتوانند نقش ارزنده‌ی خود را در اجرای آن شاخصه‌ها داشته باشند و تنها حاکمان و کارگزارانی می‌توانند در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی تاثیر داشته باشند که دارای ویژگی‌های اخلاقی مورد نظر قرآن و روایات باشند.

در این مقاله به نقش ارزنده‌ی حاکمان و کارگزاران به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت جوامع اسلامی و نیز ویژگی‌های اخلاقی آنها و تاثیر این ویژگی‌ها در پیشرفت جامعه‌ی اسلامی با استفاده از آیات و روایات پرداخته شده است.

سوالات پژوهش

منظور از پیشرفت چیست و عوامل مؤثر در پیشرفت جامعه کدامند؟

ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران از منظر آیات و روایات چیست؟ و تأثیر ویژگی‌های اخلاقی کارگزاران در پیشرفت جامعه، از منظر آیات و روایات چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در پیشینه‌ی تحقیقات انجام شده‌ی نزدیک به موضوع تحقیق، بیشتر به تحقیق در خصوص شاخص‌های حاکم و زمامداران از لحاظ سیاسی، پیشرفت اقتصادی، نقش تفکر در پیشرفت، پیشرفت اسلام در ایران و پیشرفت فرهنگ و تمدن بحث و بررسی شده است و در این مقاله به نقش ارزنده‌ی حاکمان و کارگزاران به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت جوامع اسلامی به صورت جداگانه پرداخته شده و همچنین به ویژگی‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران و تاثیر

است که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد، کارگزاران در صورتی که از جنبه فردی متواضع باشند و از جنبه اجتماعی با تواضع، همه ی اعضای جامعه را همانند خودش بداند و مشکلات آنها را مشکل خود بداند و با مهر و محبت در صدد رفع مشکلات دیگران باشد و تمام همت خود را برای رفع مشکلات آنان به کار گیرد، در این صورت جامعه با سرعت، مسیر کمال و پیشرفت را طی خواهد نمود.

تواضع از نظر لغوی، از ریشه «وضع» به معنی فرو نهادن (۱۲) و خود را کوچک نشان دادن (۱۳) (۱۴) و در مقابل تکبر به معنی خود را بزرگ دانستن است.

تواضع در معنای اصطلاحی آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین ترند برتر نداند و به عبارتی تواضع به معنای شکسته نفسی ای که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتار است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند. در قرآن و احادیث به تواضع و فروتنی که از ارزشهای اخلاقی مهم در روابط اجتماعی است بسیار تاکید شده است. اگرچه واژه تواضع در قرآن نیامده است، ولی خداوند متعال با تعبیر های لطیف دیگری مانند «خض جناح» در آیات «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعرا/۲۱۵)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر و اخفص لهما جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما كما ربياني صغيراً (اسراء/۲۴)

و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.

مردمان را به این فضیلت فراخوانده است. در روایات نیز از تواضع از بزرگترین عبادت ها «علیک بالتواضع؛ فإنه من أعظم العبادة» امام علی ۷: بر تو باد فروتنی؛ زیرا که آن از بزرگترین عبادت هاست..

(۱۵) و و کامل کننده نعمات

بالتواضع تتم النعمة امام علی ۷: با فروتنی، نعمت کامل می شود [نهج البلاغة: الحکمة ۲۲۴].

کارگزاران جامعه اسلامی می توانند با توجه به فرمایشات قرآن و ائمه معصومین: و انجام اعمالی که از عوامل ایجاد تواضع می باشد همچون اقامه نماز، روزه داری، زکات، احسان به والدین، احترام به مربی، توجه به مستضعفان و فقرا، محبت به مومنان، سجده کردن، دوری از کبر و تفاخر، ایجاد انس و الفت، و محبت بین مردم، پیشرفت جامعه اسلامی را فراهم نمایند.

زهد و پارسایی

زهد و پارسایی یکی از اعمال مقدس اسلامی و از فضایل اخلاقی انسان است و همه انسان ها آن را به عنوان یک فضیلت ارزشمند نیکو می شمارند زهد و پارسایی حقیقی است که هر کس به آن آراسته شود خیر دنیا و آخرت را دارا شده و از آتش دوزخ رهایی می یابد

جمله اینکه کارگزار در جامعه اگر اهل عقل و خرد باشد و گرفتار خرافات و جهالت نشود می تواند به خوبی راه پیشرفت را طی نماید. از منظر دین، پیشرفت، نشانه خردورزی است. پیامبر اکرم ۹ فرموده است: «إِذَا بَلَغَکُمْ عَنْ رَجُلٍ حَسَنَ حَالٍ فَانظُرُوا فِي حَسَنِ عَقْلِهِ، فَإِنَّمَا يُجَازِي بَعْقَلِهِ» (۸) «هرگاه از خوبی دین کسی خبر یافتید به خوبی خرد او بنگرید؛ زیرا به میزان خردش پاداش داده می شود».

نزدیکترین واژه به «پیشرفت»، «توسعه» می باشد. واژه «توسعه» در لغت بر «فراخی» و «وسعت» دلالت دارد. در زبان انگلیسی واژه توسعه «development» به معنای بسط یافتن، درک کردن، تکامل و پیشرفت است. از نظر صاحب نظران غربی همچون «ادوارد برمن» توسعه سیری برای استوار سازی روابط اجتماعی، پروراندن استعدادها، بهره مندی بهینه از مواهب طبیعی و امکان رشد همه قشرهای جامعه می باشد. مایکل تودارو از دیگر صاحب نظران غربی، توسعه را جریان چند بعدی می دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و روش کم کردن فقر مطلق است. عظیمی، توسعه را حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن در ورود همه جانبه به مرحله دیگر تعریف نموده است (۹).

در نسبت توسعه و پیشرفت، می توان گفت: توسعه و پیشرفت همواره از اساسی ترین دغدغه های ذهنی اندیشمندان و متفکران بوده است، برخی اندیشمندان توسعه را تغییرات کیفی در خواسته های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه ها و سازمان تولید می دانند، در حالی که برخی دیگر آن را نوعی تکامل فکری و فرهنگی جامعه ارزیابی می کنند. در مفهوم علمی، توسعه مبین یک نوع بازسازی کامل جامعه و به عبارت دیگر تحول تمدنی به تمدن دیگر است (۱۰). واژه توسعه، در اصطلاحات سیاسی، جهانی و بین المللی بسیار کاربرد داشته و رایج است و در طول زمان، معنا و ماهیت خاص خود را پیدا کرده که ابزارها، دلالت ها و مصادیق ویژه خود را دارد. در مقابل واژه پیشرفت به دنبال تبیین و حتی تعریف یک چارچوب مفهومی دیگر است که هنوز به صورت کامل تبیین نشده و حد و مرز آن با سایر مفاهیم مشابه، مشخص نشده است در الگوی اسلامی از پیشرفت به جای توسعه استفاده شده است، در توسعه، تقاضا آن است که انسان ها زندگی مرفه و خوبی داشته باشند، اما در پیشرفت، هدف نیکو و خوب زیستن است (۱۱).

به نظر نگارنده، پیشرفت عبارت است از هر حرکتی که موجب تحول اساسی، مداوم در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و یا در روابط مادی و معنوی، انسان ها با هدف دستیابی به تکامل جامعه، در چارچوب احکام اسلام صورت گیرد و موجب بروز استعدادهای انسان شود و در این تحول، نظرات قرآن و روایات معصومین: تأمین شود، آن حرکت پیشرفت است.

مهمترین ویژگی های اخلاقی کارگزاران و تأثیر آن در پیشرفت جامعه

تواضع

تواضع و فروتنی اهمیت خاصی در اخلاق اسلامی دارد و خداوند پیامبران خود را به این فضیلت اخلاقی فراخوانده است و از خلقیاتی

ثُمَّ اخْتَبِلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ، وَنَحَّ عَنْهُمْ الصِّقَّ وَالْأَنْفَ يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ نَهْجَ الْبَلَاغَةِ: الكتاب ۵۳.

همچنین در شی و در ماندگی و ناتوانی آنان را در سخن گفتن تحمل کن و کم حوصلگی و تکبر را از خود دور گردان.

بنابراین شرح صدر و حلم از لازم ترین ویژگی اخلاقی یک کارگزار به شمار می آید و در برابر سختی ها ناملازمات، حلم و شرح صدر می تواند عامل موثری در جهت کنترل اوضاع به شمار آید.

در مقابل تندخویی و خشونت یکی از آسیب های اخلاقی کارگزاران می باشد که در روایات معصومین: به شدت از آن نهی شده است. در آموزه های اسلامی واژه های «الْخُرْقُ» «الانف» «اللفظُ بر خشونت رفتاری و تندخویی دلالت می کند» (۱۷) «الْخُرْقُ» «الانف» به معنای تندخو، بد اخلاق و خشن است، (۱۸).

کارگزاران جامعه اسلامی در صورتی که خواهان تسهیل امور، مرتفع شدن مشکلات و سختی ها، کم کردن مخالفت ها، موفقیت در کارها، انس و الفت گرفتن مردم با مسئولین می باشند، باید حلم و شرح صدرا را سرلوحه امور خود قرار دهند که در این صورت جامعه اسلامی به پیشرفت قابل توجهی خواهد رسید.

حلم و شرح صدر از لازم ترین ویژگی های اخلاقی یک کارگزار می باشد که در برابر سختی ها و ناملازمات می تواند عامل موثری در جهت کنترل اوضاع باشد، با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین: چنانچه کارگزاران جامعه اسلامی خواهان پیشرفت جامعه، تسهیل امور، مرتفع شدن مشکلات و سختی ها، کم کردن مخالفت ها، موفقیت در کارها، انس و الفت گرفتن مردم با مسئولین و بالعکس و پیشرفت جامعه باشند باید حلم و شرح صدرا در امور جاری خود به کار گیرند.

ذکر و یاد خدا

یکی از مهمترین اهداف تربیت اسلامی برقراری ارتباط با خداوند و حفظ آن است، در دیدگاه اسلامی در صورت ذکر و یاد خدا، کارهای روزانه به عنوان ذکر و عبادت جهت رسیدن به قرب الهی تلقی شده و از انس با قرآن به عنوان مهمترین راهکار ذکر و یاد خداوند معرفی شده است. از آثار انس با قرآن می توان به ایجاد انس یعنی نمایان شدن اثر جمال حق بر بنده، پرورش عقل، ایمان و روح عبودیت، بندگی خداوند، چیره شدن بر بی میلی فرد به عبادت و بیدار شدن فطرت خداجوی انسان اشاره کرد.

در تربیت اسلامی، انس با قرآن و دعا، جایگاه ویژه ای دارد. خداوند متعال در این زمینه می فرماید:

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (تکویر/۲۷) این قرآن چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست

ذکر در لغت به معنی یاد کردن یا بیان کردن، ثنا یاستایش کردن به کار رفته است. در فرهنگ قرآنی ذکر معانی گسترده ای دارد، خداوند می فرماید: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (انبیاء/۵۰)

و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟

زهد و پارسایی معنای متفاوتی با ساده زیستی دارد، زهد به معنای بی میلی، بی رغبتی، ترک و پشت کردن به چیزی است، (۱۶). علی ۷ می فرماید: «مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا، وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا» (نهج البلاغه: الْحِكْمَةُ ۳۸۵).

در خواری و بی ارزشی دنیا نزد خداوند همین بس، که جز در دنیا معصیت او نمی شود و جز با ترک دنیا به آنچه نزد خداست (بهشت و رضوان الهی) نمی توان رسید.

قرآن، قارون را به عنوان دنیا گرا مطرح می کند و از آن به شگفتی یاد می کند و می فرماید:

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مَوْسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ (قصص/۷۶)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد!»

دنیا گرایی به معنای دوست داشتن دنیا و مال و استفاده از هر چیزی برای بهره وری و لذت بیشتر است که معیار و مقیاس برای ارزش، نیزمال و دنیا می باشد.

زهد و پارسایی یکی از اعمال مقدس اسلامی و از فضایل اخلاقی می باشد و همه انسان ها از آن به عنوان یک فضیلت ارزشمند یاد می کنند. اهمیت این فضیلت ارزشمند در آیات قرآن و روایات معصومین: به روشنی مشهود است و آثار زیادی از نظر رشد فردی و اجتماعی دارد، کارگزاران نظام اسلامی در صورتی به این فضیلت اخلاقی مزین شوند می توانند از آثار و برکات آن از جمله آسودگی خاطر، دستیابی به حکمت و بصیرت، چشیدن شیرینی ایمان، سخاوت، ایثار، سلامت دین، معرفت به خدا و روز قیامت، اخلاص در ایمان و ... برخوردار شوند و این آثار گرانبهائی می تواند در پیشرفت جامعه اسلامی تاثیر زیادی داشته باشد.

حلم و شرح صدر

حلم و شرح صدر به معنای با حوصلگی، گشادگی نظر و همت بلند، از دیگر ویژگی های اخلاقی کارگزاران می باشد هر چقدر مسئولیت سنگین تر باشد به همان اندازه میزان تحمل و شرح صدر نیز باید بیشتر باشد، از دیدگاه علی ۷ ابزار ریاست و رمز موفقیت کارگزاران شرح صدراست، «آلَةُ الرَّئِيسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ سَعَةُ صَدْرِ ابْنِ زِيَادٍ» (نهج البلاغه: الْحِكْمَةُ ۱۷۶).

امام علی ۷ به حارت همدانی فرمود:

(نهج البلاغه، نامه ۶۹). «وَكَظِمَ الْعِظْمَ، وَتَجَاوَزَ عِنْدَ الْمَقْدَرَةِ، وَاحْتَمَلَ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَأَصْفَحَ مَعَ الدَّوْلَةِ، تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ»؛

غیظ خود را فرو ببر. کظم غیظ داشته باش. با اینکه می توانی انتقام بگیری، گذشت کن. موقع خشم، از خود بردباری نشان بده. هنگامی که سلطه و برتری داری، چشم پوشی کن. اگر این چهار کار را بکنی، عاقبت از آن توست.

و به مالک فرمود:

از جمله آداب آن می توان از دوری از منت گذاری و حفظ آبروی افراد، رعایت اعتدال و همراه با تقوای الهی باشد. کارگزاران نظام اسلامی در صورت رعایت این آداب می توانند از مزایای آن از جمله امنیت در قیامت، برخوردار از رحمت الهی، برطرف شدن مشکلات و پیشرفت جامعه اسلامی برخوردار باشند.

دوری از خودپسندی

از ویژگی های اخلاقی کارگزاران دوری از خودپسندی است، زیرا خودپسندی یکی از خطرناک ترین صفات زشت اخلاقی است که موجب از بین رفتن اعمال صالح انسان می شود و او را به مفاسد بزرگ دیگری گرفتار می کند. امام علی ۷ در مورد جایگاه خود پسندی می فرماید: هیچ تنهایی وحشت انگیز تر از خودپسندی نیست (نهج البلاغه حکمت ۱۱) امام دهم علیه السلام فرمود: «مَنْ رَحَىٰ عَنْ نَفْسِهِ كَثَرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ» (۲۴).

آن که از خودش راضی شود، ناراضیان از او فراوان شوند.»

بر اساس جمع بندی تعاریفی که برخی از اندیشمندان اسلامی از آفت روانی و فکری خودپسندی ارائه کرده اند به طور خلاصه می توان به محورها و شاخص های زیر اشاره کرد (۱) خودبزرگ بینی (۲) بزرگ پنداری اعمال (از نظر کیفی) (۳) بسیار پنداری اعمال از نظر کمی (۴) بی تقصیر دانستن خویش (۵) خودبرتربینی و تحقیر دیگران (۶) فراموش کردن و غفلت ورزیدن از نعمت دهنده و صاحب اصلی نعمت و کمال (۷) طلبکار دانستن خود و انتظار پاداش و عوض داشتن (۸) منت گذاری بر دیگران (۹) شادمانی و خوشحالی از خود یا کمالات خود. (۲۵)

در روایات از خودپسندی به عنوان صفتی یاد شده است که برای نابودی شخص همین یک بیماری کافی استفت البته منشأ اصلی این بیماری ضعف و نقصان عقل می باشد در واقع انسان از خود راضی، شناخت درستی از شخصیت خود ندارد، مردم نیز فطرتاً از آدم های متکبر و خودپسند بیزار هستند، به همین دلیل در دل مردم هیچ جایگاهی نداشته و چه بسا کینه ی آنها را نیز به دل خواهند گرفت و به فرموده علی ۷، میوه و نتیجه خودپسند کینه و دشمنی مردم است. (۱۴) بنابراین خودپسندی ویژگی ناپسندی است که آدمی به خاطر کمالی که در خود می بیند، خود را بزرگ می پندارد و این بزرگ پنداری نتایج منفی برای فرد و به دنبال آن برای اجتماع رقم می زند. با بررسی مجموعه روایات معصومین: این نکته به دست می آید که خود پسندی در معانی دیگری نیز به کار رفته است مفاهیمی همچون افتخار به عمل، منت نهادن که مورد نهی ائمه قرار گرفته است. از دیدگاه امام علی ۷، ریشه خودپسندی جهل است. لذا کارگزاران جامعه اسلامی در صورتی که که خود را از این رذیله اخلاقی دور نمایند، می توانند از زمینه تسلط شیطان، ضعف قوه عاقله، توقف رشد و ارتقاء و هلاکت در امان باشند و زمینه پیشرفت جامعه مسلمان را فراهم نمایند.

بنابراین خودپسندی یکی از ویژگی های ناپسندی است که آدمی به خاطر اینکه خود را بزرگ می پندارد نتایج منفی هم برای فرد و به دنبال آن برای اجتماع رقم می زند. کارگزاران جامعه اسلامی به خاطر دور شدن خود و به دنبال آن دور شدن اجتماع، از نتایج منفی این رذیله اخلاقی از جمله زمینه ی تسلط شیطان، ضعف قوه عاقله،

پس قرآن کتابی است که تذکراتش می تواند میلیون ها دل را در عصرها و نسل های مختلف جذب کند و برکت قرآن قابل انکار نیست (۱۹)، همچنین می فرماید:

«وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (قلم/۵۲) در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست

قرآن مایه بیداری است، معارفش روشنگر، انذار هایش آگاه کننده، مثال هایش پر معنی، تشویق ها و بشارت هایش روح پرور و در مجموع مایه بیداری خفتگان و یادآوری غافلان است. (۲۰)

پس کارگزاران جامعه اسلامی باید بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین: چنانچه خواهان پرورش عقل، پرورش ایمان، پرورش روح عبودیت در وجود خود می باشند باید یاد خدا را همیشه در زندگی و امور جاری خود داشته باشند، زیرا دوری از یاد خدا نتیجه ای جز گمراهی، نفاق و حب به دنیا و دوری از حب خدا ندارد. بنابراین در صورتی که کارگزاران یاد خدا و بندگی خدا را سرلوحه امور خود قرار دهند، حب به دنیا و امور دنیوی جای خود را به حب به خدا می دهد و کسی که حب به خدا در دلش باشد، سعی می کند وظایف و مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهد در نتیجه چنین کارگزاری با این ویژگی اخلاقی می تواند تاثیر زیادی در پیشرفت جامعه داشته باشد.*

سخاوت

سخاوت در لغت از ماده «سخو» به معنی جود و بخشش بوده و سخی به معنی بخشنده است. بنابراین سخاوت در مقابل بخل بوده که در اصطلاح دینی به ملکه بذل مال به مستحق بدون درخواست سائل به میزان شایسته گفته می شود. (۲۱)، سخاوت یکی از ویژگی های اخلاقی کارگزاران است که از عواطف انسانی ناشی شده اطلاق می گردد، در قرآن ذکری از ماده سخاوت نیامده؛ اما «انفاق» عنوانی است که خداوند آن را به موازات سخاوت به کار برده و در کاربردهای قرآنی فراوان به کار رفته و سفارش شده است و فقط به بخش هایی اطلاق می گردد که با قصد الهی صورت پذیرد. قرآن از انفاق هایی که توسط کفار با نیت غیر الهی صورت می گیرد این گونه یاد می کند. (۲۲) «مَثَلٌ مَّا يَنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ، وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ» (آل عمران/۱۱۷)

چه آنها در این زندگی پست دنیوی انفاق می کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشان ستم می کنند... خداوند در قرآن انسان ها را به سخاوت و انفاق سفارش می نماید: «... وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران/۹۲) در راه خدا (انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.

بنابراین سخاوت در مقابل بخل بوده که در اصلاح دینی به ملکه بذل مال به مستحق بدون درخواست سائل به میزان شایسته گفته می شود. (۲۳) سخاوت یکی از ویژگی های اخلاقی کارگزاران می باشد که طبق فرمایشات قرآن و روایات معصومین: آداب خاصی دارد که

توقف رشد و پیشرفت در فرد و اجتماع و هلاکت در امان می باشند.

دوری از تکبر

یکی دیگر از شرایطی که کارگزاران باید سرلوحه امور جاری خود قرار دهند عدم غرور می باشد زیرا تکبر یکی از رذایل انسانی و عاملی مخرب در امور جاری کارگزاران می باشد و عواملی مانند مال، موقعیت و دانش در پیدایش تکبر دخالت دارند، اما مهمترین عامل تکبر، جهل و عدم توجه به قوای نفسانی است، تکبر موجب کاهش روابط و همکاری صمیمانه میان افراد می گردد و بهره وری و پیشرفت جامعه را با مشکلاتی مواجه می سازد و افراد تحت نظارت کارگزاران را دلسرد و مأیوس می کند، در نتیجه میان افراد فاصله ایجاد می شود و وظایف مدیریتی مانند برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و رهبری دچار مشکل می شود.

قرآن کریم در موارد متعددی تکبر را تفسیح کرده و آن را یکی از اوصاف شیطان معرفی نموده است در توضیح ماجرای تکبر ابلیس می فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره / ۳۴) و «يَا كُنْ هُنَّكَ» که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. خداوند دلیل سجده نکردن شیطان بر آدم را سوال کرد، شیطان در جواب گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف / ۱۲) «(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!».

در روایات نیز آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی متکبران بیان گردیده است. حضرت علی ۷ می فرماید «متکبر در دنیا دوست و همکار ای ندارد» «لیس للمتکبر صدیق» در جای دیگر حضرت تکبر را بدترین عیب ها معرفی کرده است. «الکبر شر العیوب»، همچنین می فرماید: «ابلیس ۶ هزار سال خداوند را عبادت کرد، اما همه را با تکبر نابود ساخت و سرانجام نام «امام المتعصبین و» سلف المستکبرین» به او اختصاص یافت.

بنابراین تکبر یکی از رذایل اخلاقی است که رفتارهای مخرب را به دنبال دارد. وجود تکبر در بین کارگزاران نظام اسلامی باعث می شود مشارکت و همکاری افراد را تحت تاثیر خود قرار دهد و افراد از دادن اطلاعات، مشورت و همکاری با یکدیگر خودداری نمایند و به خاطر احساس خود برتر بینی، افکار و اندیشه های خود را بهتر از دیگران پندارند و نظرات خود را بر دیگران تأمین نمایند و در این صورت جامعه از پیشرفت دور خواهد شد. پس کارگزاران با خود سازی و افزایش معرفت به نیاز خود نسبت به دیگران، معرفت بر ضعف های جسمی و روحی خود و درک حضور همه جانبه خداوند به درمان معضل تکبر در وجود خود بپردازند و سعی نمایند با همکاری صمیمانه و با توجه به آموزه های دین اسلام و سفارشات قرآن و روایات و دوری از تکبر در جهت پیشرفت جامعه حرکت نمایند.

دوری از طمع

طمع در لغت به معنای میل و زیاده خواهی است و با حرص و آز مترادف می باشد اما طمع به معنای تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است در جای دیگر طمع در مقابل استغنا نفس است و آن عبارت از تمایل نفس به آنچه در دسترس نیست چشم بدوزد و پیوسته درصدد بهره برداری از دیگران باشد. اما طمع در قرآن کریم هم به معنای حرص و هم به معنای امید و آرزو و میل نفسانی آمده است.

طمع به معنای امید در آیه «وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعرا/ ۸۲)

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد
قرآن در آیه ۳۲ سوره ی احزاب ، «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ ۗ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»

«ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند!»
امام باقر ۷ در این باره می فرماید: «بَسَّسَ الْعَبْدُ عَبْدًا لَهُ طَمَعٌ يَقُودُهُ وَ بَسَّسَ الْعَبْدُ عَبْدًا لَهُ رَغْبَةٌ تُذَلُّهُ» بد بنده ای است بنده ای که طمع، زمام او را به پیش کشد و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد.

بنابراین یکی از ویژگی‌های اخلاقی که کارگزاران نظام اسلامی باید از آن دوری کنند و در قرآن و روایات نسبت به دوری از آن تأکید نموده اند، دوری از طمع است، چون طمع ویژگی نفسانی است که موجب می‌شود انسان بیش از مورد نیاز مال و ثروت جمع کند و به حد سیری نرسد و نیز برای او و جامعه سودی ندارد، زیرا این ویژگی از بدترین آثار حب دنیا است و بدون تردید انسان را در دنیا و آخرت بدبخت می کند، پس برای پیشرفت جامعه اسلامی باید کارگزاران از طمع که نتیجه‌ای جز هلاکت و نابودی، تملق و چاپلوسی، تهمت و افترا و... ندارد، دوری نمایند.

دوری از ظلم

کارگزار باید در مسؤولیت خود سعی نماید بر اساس عدالت عمل نماید و از ظلم بپرهیزد و در اداره امور جاری با تدبیری صحیح و درست عمل نماید و راه اعتدال و همدلی را برای مردمان هموار نماید و در جهت رشد و شکوفایی استعدادها گام بردارد.

مراعات مقررات بر هر کسی لازم است و قانون شکنی حتی برای کارگزار هم ممنوع است و کارگزار نباید تحت تأثیر احساسات قرار گیرد، زیرا مسؤولیت و قضاوت، کار حساسی است که باید در آن خداوند را در نظر داشت.

قرآن نیز در آیات خود بر دوری حاکمان و کارگزاران از ظلم تأکید نموده است.

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؛ (یوسف/ ۷۸)

«گفتند: ای عزیز! او پدر پیری دارد (که سخت ناراحت می‌شود) یکی از ما را به جای او بگیر، ما تو را از نیکوکاران می‌دانیم. برادران یوسف به او گفتند، این اولین بار نیست که نسبت به ما

فرد در مقابل مسائل و مشکلات استادگی نمی نماید. حضرت علی ۷می فرماید:

إِذَا هَبْتَ أَمْرًا قَقَعُ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّبِهِ أَكْبَرُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵)

و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که از چیزی می ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت تر است.

برخی علمای اخلاق در کتب اخلاقی خود برای مقابله و درمان مشکل ترس توصیه می کنند هر انسانی که دچار ترس شد وارد صحنه های رعب آور شود، به عنوان مثال یکی از فلسفه ها و رسالت های رزمایش های نظامی و تمرین هایی که در آن صورت می گیرد، پاکسازی آثار ترس از جنگ از دل فرمانده ها، سربازان و افسران می باشد.

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۵۷ در مورد مرگ می فرماید:

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

هر انسانی مرگ را می چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی گردانند..

خداوند در سوره عنکبوت آیه ۵ در مورد نگاه مثبت به مرگ می فرماید:

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنکبوت/۵)

کسی که امید به لقاء الله (و رستخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد!) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی رسد؛ و او شنوا و داناست!

ترس مانع حرکت جسورانه انسان در عبور از موانع کمال و اصلاح دنیا و آخرت می شود، کارگزاران جامعه اسلامی در هنگام رویارویی با مشکلات در صورتی که رفع مشکل به نفع دین و دنیا و آخرت مسلمین است نباید ترس به خود راه دهند و با فشارهای روحی و روانی ناشی از ترس، فرصت ها را از دست دهند بلکه با توکل به خدا و تشویق و ترغیب جامعه به مقاومت و استادگی، مشکلات و موانع را مرتفع نموده و راه سعادت و خوشبختی و پیشرفت جامعه مسلمین را با دوری از ترس و شجاعت در برابر مشکلات هموار نمایند.

انتقادپذیری

انتقاد از ماده نقد به معانی عیب یابی و جدا ساختن خوب و بد، زشت و زیبا ذکر شده است، در لغت نامه دهخدا انتقاد عبارت است از سره کردن، سره گرفتن، بیرون کردن درهم های ناسره از میان درهم ها، آشکار کردن عیب شعرها، کاه از دانه جدا کردن. آیات قرآنی که با صراحت انسان را به تفکر، تدبر و تعقل دعوت می نماید کم نیستند که افراد سست و سطحی نگر را با جملات «افلا يتدبرون» «افلا يتفكرون» «افلا ينظرون» انسان ها را به تفکر و تعقل وا می دارد که با تفکر و تعقل بسیاری از مشکلات حل و فصل می شود، مزیت انتقادپذیری اصلاح خطاهاست، انسانهای غیرمعصوم در هر حوزه علمی و عملی که وارد شوند احتمال خطا و لغزش وجود دارد چرا که علم و آگاهی انسان محدود است و همچنین شهوات و غرایز بر عملکرد او تاثیر داشته و دارد و بهترین راه و روش که می تواند درصد خطا و اشتباه را کاهش داده

محبت فرمودی بیا و محبت خود را با این کار (که یکی دیگر از برادران به جای بنیامین بازداشت شود) محبت خود را تکمیل فرما. سیاق آیات دلالت دارد بر اینکه برادران وقتی این حرف را زدند که دیدند برادرشان محکوم به بازداشت شده و گفتند که ما به پدر او میثاق ها داده و خدا را شاهد گرفته ایم که او را به نزدش بازگردانیم و مقدر ما نیست که بدون او به سوی پدر برگردیم، در نتیجه ناگزیر شدند که اگر عزیز رضایت دهد یکی از خودشان را به جای او فدیة دهند و این معنا را با عزیز در میان نهاده گفتند: هر یک از ما را می خواهی به جای او نگهدار و او را رها کن تا نزد پدرش برگردانیم.

«کبیرا» به معنای بزرگی در سن است و بعضی گفته اند: یعنی در قدر و مقام بزرگ است و فرزند چنین شخص بزرگی را نباید بازداشت کرد و ما تو را از کسانی می بینیم که به مردم نیکی می کنی و یا نسبت به ما در پیمان و کشیدن آذوقه احسان کردی و کالای ما را بازگرداندی و از ما میهمانی کردی و اکنون نیز این انتظار را داریم که مانند گذشته به ما احسان کنی. (۱۷)

(قال معاذ الله ان نأخذ إلا من وجدنا متاعنا عنده إنا إذا لظالمون) (یوسف/۷۹)

«گفت: پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافتیم بگیریم در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!»

ظالمون از ریشه ظلم است.

از رسول اکرم ۹ روایت شده که فرمود: جامعه ی اسلام تا هنگامی سر فراز و به سعادت خواهند زیست که راست گفتار باشند و نیز به عدل داوری نمایند و چنانچه کسی از آنان حاجتی بخواهد از کمک به وی دریغ ندارند. (۱۹)

با توجه به آیات قرآن، حاکم و کارگزار باید با فرد مجرم برخورد کند و بی گناه را نباید به جای گناهکار محاکمه و کیفر نماید، زیرا در صورت محاکمه و برخورد با فرد بی گناه به جای گناهکار ظلم محسوب خواهد شد و حاکم و قاضی نباید تحت تأثیر احساسات قضاوت کند که ممکن است در قضاوت جانب عدالت را رعایت نکند و به کسی ظلم نماید.

از آیات قرآن و روایات معصومین می توان به خوبی نتیجه گرفت که بی تعهدی حاکم نسبت به بی عدالتی و ظلم به افراد در هریک از این موارد، امری غیر اسلامی و نتیجه ی بی تقوایی و سستی در دین است، زیرا حاکم و کارگزار جامعه در برابر این امور، مسؤول می باشند.

دوری از ظلم در جامعه باعث شکوفایی استعدادها، بهره وری صحیح از امکانات و نعمت های الهی و آرامش در جامعه می شود و باعث پیوند افراد و گروه های جامعه به یکدیگر می شود و در میان آنان وحدت و همدلی ایجاد می کند و از بروز اختلافات و تبعیض ها جلوگیری می کند و زمینه ی رشد، پیشرفت و بالندگی جامعه در همه ی ابعاد را فراهم می نماید.

دوری از ترس

ترس عبارت است از حالتی که به هنگام بروز یک مشکل به طور یک محرک و نیرو عمل کرده و موجب آسیب دیدن به شخص شده و تمام تلاش و توانش را از او می گیرد. ترس باعث می شود که

انتقادپذیری است، دیگر مزیت انتقادپذیری رشد علوم و فنون است، انتقاد پذیری با اینکه به ظاهر تلخ و ناخوشایند است ولی نقش موثر و سازنده در جهت رشد و بالندگی انسان در فعالیت های فردی و اجتماعی ایفاء می نماید.

کارگزاران جامعه اسلامی در صورتی راه انتقاد و عیب یابی را مسدود نمایند از پیشرفت خبری نیست ولی چنانچه انتقاد پذیر باشند می توانند در تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، صنعتی و تکنولوژی پیشرفت نمایند.

امام علی ۷ می فرماید: «افرادی که عیوب را با تو آشکارا بیان کرده و نشان می دهد دوستدار تو است و کسانی که عیب تو را پنهان می نمایند دشمن تو خواهد بود.» علی ۷ در جای دیگر می فرماید: «دوست را از آن جهت دوست و صديق نامیده اند که در مورد تو و عیب هایت صداقت داشته و راستش را با تو می گوید».

بنابراین انتقاد به معنی بیان نقایص به منظور رشد و پیشرفت انسان و جامعه انسانی در تمام جهات می باشد، از جمله آثار و پیامدهای انتقاد می توان به نجات از غفلت و فراموشی، اصلاح خطاها و پیشرفت می باشد. کارگزاران جامعه اسلامی در صورتی که راه انتقاد را مسدود نمایند از پیشرفت خبری نیست ولی بنا به سفارش آیات قرآن و روایات معصومین: چنانچه انتقاد پذیر باشند می توانند در تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، صنعتی و تکنولوژی راه پیشرفت را به خوبی طی نمایند و از الطاف الهی نیز برخوردار شوند.

عبودیت

عبودیت در ادیان الهی جایگاهی مهم و اساسی دارد و جزء تفکیک ناپذیر مذهب به شمار می رود، دین حقیقی بدون عبودیت و پرستش هرگز وجود نداشته است و رسالت مشترک پیامبران ایجاد، گسترش و تعمیق روح عبودیت در میان مردم و پرهیز دادن آنان از عبادت غیر خدا بوده است.

از دیدگاه ادیان توحیدی، تکامل حقیقی، همه جانبه ی انسان جز با پرستش خداوند و حرکت در خط عبودیت او میسر نیست و برترین و کامل ترین انسانها کسانی هستند که به اوج عبودیت و بندگی رسیده اند.

در قرآن نیز بر تعمیق روحیه ی عبودیت تأکید شده و این نکته را متذکر شده است عبودیت فقط برای خداست و غیر از خداوند کسی قابل عبودیت نیست. از جمله آیه ی ۴۰ سوره یوسف که فرموده است: (مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسمهایی (بی معنا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم] حکومت و فرمانروایی آنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

حضرت امام صادق ۷ عبودیت در مالکیت و حاکمیت را بدین صورت معنا کرده اند: بنده ی واقعی خداوند کسی است که در عطایای الهی برای خود مالکیتی نبیند، زیرا بندگان مالک حقیقی

مال نیستند، در نظر آنان مال، مال خداوند و ملک پروردگار عالم است و آن را در جایی قرار می دهند و به طوری صرف می کنند که پروردگارشان بدان امر فرموده است. پس بر اساس این روایت حاکمیت و مالکیت از آن خداوند بلند مرتبه است و باید حاکمیت و دستورات حاکم و کارگزار جامعه ی اسلامی مبتنی بر عبودیت خداوند و براساس دستورات خداوند باشد.

بنابراین با توجه به آیه ی شریفه ی ۴۰ یوسف و احادیث معصومین: کسانی که در حقیقت اهل عبودیت هستند، تمام دل و جان آنها، متوجه پروردگار خویش می شود و ایمان قلب آنها را روشن می سازد، به همین دلیل در برابر اعمال خویش احساس مسؤولیت می نمایند و از نفاق، دروغ، تقلب و خیانت به دور می باشند، همچنین آنها بر اثر عبادت خاضع و فروتن می باشند و در طریق بندگی و عبودیت خدا بر این کار مداومت دارند و اهل انفاق هستند و به نیازمندان کمک می کنند و اهل تعقل، تفکر، دانش و بصیرت نیز می باشند. کسانی که به عبودیت خداوند می پردازند از نظر عمل و تقوی، قدرت و قوت، تدبیر، نظم و درک اجتماعی برتر بوده و تسلیم محض خداوند هستند.

پس با این وصف، کارگزار جامعه ی اسلامی اگر اهل عبودیت باشد و خود را مجری دستورات خداوند بداند و مالکیت آنچه به او عطا شده است را از آن خداوند بداند و از فساد، نفاق، دروغ و خیانت به دور باشد و در اثر عبودیت اهل انفاق، تعقل، تفکر، دانش، بصیرت، تقوی و تدبیر باشد و در همه حال خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود ببیند، ضمن توجه به معاد، حسابرس و مراقب اعمال خود باشد، می تواند حکومتش الگوی یک حکومت نمونه ی اسلامی باشد که در این صورت جامعه ی اسلامی با پیشرفت روزافزون همراه است.

نتیجه گیری

اصطلاح و مفهوم توسعه و پیشرفت از دیرباز رایج بوده اند، اما توسعه از اقبال بیشتری در ادبیات و جریان های مرتبط با نظریه ها و الگوهای بهبود شرایط و وضعیت جامعه برخوردار بوده است، این در حالی است که پیشرفت مفهومی جامع تر است و برخلاف توسعه که نگرشی تک بعدی دارد، دارای نگرشی چند بعدی است. اسلام مکتب عدل و اعتدال است و نظام آن عادلانه است لذا کارگزار باید راه اعتدال و همدلی را برای مردم جامعه هموار نماید و در جهت رشد و شکوفایی استعدادها گام بردارد.

مراعات مقررات بر هر کسی لازم است و قانون شکنی برای کارگزار ممنوع است، کارگزار نباید تحت تاثیر احساسات قرار گیرد، زیرا مسئولیت در نظام اسلامی کار حساسی است که باید در آن خداوند را در نظر داشت و سعی نماید با بهره وری از امکانات و نعمت های الهی و دوری از ظلم، زمینه رشد، پیشرفت و بالندگی جامعه را فراهم نماید.

با توجه به آیات قرآن کریم و احادیث معصومین: در می یابیم شخصی که در مقام کارگزاری جامعه اسلامی قرار گرفته، باید از رذائل اخلاقی همچون خودبرتربینی، افکار و اندیشه های خود را بهتر از دیگران دانستن و جهل که از عوامل ایجاد تکبر می باشد دوری نماید و با درک حضور همه جانبه خداوند، به درمان رذایل اخلاقی بپردازد و همچنین با زهد و پارسایی، حلم و شرح صدر، ذکر

12. Ibn Darid, Muhammad ibn al-Hassan, Jamhreh al-Laghe, first edition, Dar al-Alam Lamlayin, Beirut, Bita
13. Maadi Khah, Abdul Majid, Farhang Aftab, Offset Printing, Tehran, 1372
14. Akbari, Mahmoud, Ethics and administrative rules, Shafaq, Qom, 1376
15. Sheikh Tabarsi, Abulfazl Ali bin Hasan, Tafsir Majam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an with a rhetorical introduction, Mohammad Javad, 3rd edition, Nasser Khosro Publications, Tehran, 1372
16. Al-Amadi al-Tamimi, Abdulwahid, Gharar al-Hakm and Derr al-Kalam, research: Mohhadith Mirsyd Jalaluddin, Bicha, Bina, Tehran, 1360
17. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, Soum, Dar Sadir, Beirut, Bija
18. Tabarsi, Fazl Bin Hasan, Tafsir Jameem al-Jamae, first edition, Tehran University Press and Qom Seminary Administration, Tehran, 1372
19. Majlesi, Mohammad Baqer, Bihar Al-Anwar, Bicha, Dar Ihya Trahat Arabi, Beirut, Lebanon, 1412 AH
20. Tabatabaei, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom seminary community publishing office, Qom, 1417 AH
21. Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein bin Ahmad, Tafsir Ethnaashri, 1st, Miqat, Tehran, 1363
22. Sheikh Tabarsi, Abulfazl Ali bin Hassan, Mishkoeh al-Anwar, Bicha, Heydarieh Library, Bija, Bita
23. Taqvi Damghani, Seyed Reza, Perspective on Islamic Management, 2nd edition, Islamic Propaganda Organization Publications, Tehran, 1369
24. Sheikh Mufid, Abu Abda... Mohammad Bin Numan, Anwar Malkut, research: Nobakht, Abu Ishaq, Bi Cha, Mansurat Razi, Qom, 1363
25. Nouri, Hossein, Mostadrak Al-Wasail, Al-Al-Bait Institute, Qom, 1408 AH

و یاد خدا، سخاوت، تواضع، دوری از طمع، دوری از خودپسندی، دوری از ترس، انتقادپذیری و عبودیت در راه پیشرفت جامعه اسلامی گام بردارد تا بتواند نمونه ای از جامعه پیشرفته اسلامی را به جهانیان معرفی نماید.

References

- The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi, Professor Mohammad Mahdi.
- Nahj al-Balagheh, Sobhi Saleh, Bicha, Dar al-Soeh, Tehran, 1415 AH
1. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Vocabulary of the Qur'an, first edition, Dar al-Qalam, Beirut, Bita
 2. Javadi Amoli, Abda..., Tasnim, edited by: Islami, Ali, Bi Cha, Isra Publishing Center, Qom, 1387
 3. Javadi Amoli, Abda..., Velayat Faqih, 15th edition, Isra Publishing House, Qom, 1379
 4. Sobhani, Jafar, Fundamentals of Islamic Government, translator: Ilhami, Dawood, Bicha, Amirul Momineen (a.s.) printing house, Bija, 1370
 5. Gay Roche, social action, translator: Zanzanjadeh, Homa, Ferdowsi University Press, Mashhad, 1370
 6. Beauty, Hasan, a study on the substantive ratio of progress and justice, Tehran, 2019
 7. Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim, comprehensive interpretation, 6th edition, Sadr Publications, Tehran, 1366
 8. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Baboyeh, The Reasons of the Shari'ah, Bicha, Al-Tabbah Al-Awali al-Muktaba al-Haydriya, Najaf, 1385 AH
 9. Fayoumi, Ahmad bin Mohammad, Misbah al-Nirfi Gharib al-Sharh al-Kabir al-Rafa'i, second edition, Tehran, 1415 AH
 10. Makarem Shirazi, Nasser et al., Tafsir al-Tafsir, first edition, Darul-e-Kitab al-Islamiya, Tehran, 1374
 11. Akhtarshahr, Ali, 1386, Islam and Development, Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, 1386